

معرفی نوآوری‌های مفسرین قرآن کریم در قرون ۶۰۵ق (مطالعه موردی سوره مبارکه جمعه)

رامش حلاجیان اصفهانی^۱

مهدی مهریزی^۲

سید محمدعلی ایازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

چکیده

قرآن در دوره‌های مختلف تفسیر شده است و تفاسیر در هر دوره دارای نوآوری بوده‌اند. این نوشتار در سه بخش علوم قرآن، ادبیات، نکات تفسیری به معرفی نوآوری‌های مفسران می‌پردازد. به منظور مطالعه‌ی دقیق‌تر، مختصات این نوشتار، تفاسیر مذهب شیعه و اهل تسنن در قرن پنجم و ششم هجری قمری، با تمرکز بر تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی جمعه تعیین شده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که مفسران این دوره در مباحث علوم قرآنی، به زمان و مکان نزول از جنبه‌ی تاریخی، نقد قولی و تحلیل محتوایی روایات و همچنین طرح اختلاف قرائتی که با حذف یا افزودن حرکات، حروف و تشدید بوده، طرح قرائت شاذ، ارائه طبقه‌بندی نو، به موازات تحلیل و تعلیل ادبی پرداخته‌اند. در این دوره اغلب مفسران اهتمام فراوانی بر طرح مصادیقی نو از نکات صرف و نحوی داشته‌اند، ولی بر خلاف غالب مفسران این دوره، زمخشری به نکات بلاغی توجه داشته است. نکات تفسیری نو و بدیعی در این دوره، بروز و ظهور داشته است. نقدی معناسانانه از واژگان، جامع‌نگری و ارائه طبقه‌بندی نو و بررسی سیر تاریخی واژه، روش برخی از مفسران این دوره در بررسی واژه‌ها بوده و آیات نیز در زمینه‌ی واژه، موضوع و حکم صادره، مقارنه گردیده‌اند. پیوند ادبیات و عرفان و ضرب بی سابقه‌ی روایات و ظرائف عرفانی در تفسیر، نگارش تفسیر عرفانی بر کل سوره‌های قرآن و نگارش تفسیر چند سطحی نیز از نوآوری‌های تفاسیر عرفانی این قرون است. همچنین گرایش عقلی-اجتهادی، به پرچمداری شیخ طوسی و گرایش تاریخی از گرایش‌های نوین این قرون به شمار می‌آید.

کلید واژه‌ها: نوآوری، سوره جمعه، مفسران، قرون ۵ و ۶ق.

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

مطالعه تاریخ نگارش تفاسیر بیانگر نوآوری های مفسران قرون ۵ و ۶ هجری است. این که هر زمان عرصه آزاداندیشی و تضارب آرا برای مسلمانان فراهم بوده، تطوری در عرصه تفسیرنویسی رخ داده، واقعیتی انکارناپذیر است.

در قرون ۵ و ۶ پیش از ۱۹۰ تفسیر به ثبت رسیده است (ادنه‌وی، ۱۴۱۷، ۱۴۸ و ۲۱۰؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ۳۴ و ۱۹۰؛ علوی مهر، ۱۳۹۳، ۲۱۵ و ۲۴۴) تحلیل و بررسی نوآوری های مفسران قرون ۵ و ۶ هجری نشان دهنده رشد و بالندگی علوم اسلامی در این دوره است. در این دو قرن، تفسیر همگام با شکوفایی و پیشرفت ادب، علوم و معارف، گسترش یافت و کشف و فهم معانی قرآن در همه زمینه ها شکوفاتر شد. (معرفت، ۱۳۵۷ ش، ج ۲، ۴۴۶-۴۴۹).

در قرون نخست (۱-۳ ق.) مخاطبان تفاسیر اولیه، اغلب متخصصان و عالمان دینی بودند. پس از قرن ۳ ضرورت شکل گیری زبانی مشترک برای تفسیر احساس شد که این ضرورت، منجر به شکل گیری علم تفسیر به عنوان علمی مستقل و به شیوه نوین گردید. چرا که با ورود اصطلاحات جدید علمی در حوزه تفسیر باید زبان مشترکی بین مفسر و مخاطب به وجود می آمد تا تفاهم لازم بین این دو ایجاد شود. با ایجاد این علم جدید، اصطلاحات جدیدی نیز وضع شد که زبان مشترکی بین مفسر و مخاطب ایجاد نمود. گرچه مخاطب تفاسیر اولیه، مخاطبین خاص، عالم و صاحب نظر در تفسیر بودند، اما با گسترش قلمرو اسلام و افزایش ارتباط کشورهای اسلامی و فاصله گیری از عصر نبوت و رسالت، لزوم شکل گیری زبانی در تفاسیر که با درک عمومی عامه مسلمانان هماهنگ باشد به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شد. لذا به فراخور این نیاز، تفاسیری با هدف فهم همگانی قرآن کریم و متناسب با مخاطبین عام نیز تالیف شد. (رک: پاکتچی، ۱۳۹۲، ۱۱۹-۱۲۳)

هر نوآوری تفسیری در زمینی که میراث مفسرین پیشین است رشد نموده است و سنت تفسیری^۴ واحدی بر تفاسیر شیعه و سنی حاکم است، لذا در این نوشتار بدون تفکیک تفاسیر شیعی و سنی، به بررسی نوآوری های تفسیری خواهیم پرداخت. ضروری بودن مساله جاودانگی قرآن در میان مسلمانان، و روایات فراوانی که از پیامبر و دیگر پیشوایان اسلام رسیده، ارائه تفسیرهای نو برای قرآن را روشن تر می سازد. (بنگرید: کلینی، ج ۴، ص ۳۹۸؛ بحرانی، ج ۱، ص ۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۹۷)

تفاسیر مورد پژوهش عبارتند از: التبیان فی تفسیر القرآن (۴۶۰ ق.)؛ لطائف الاشارات (۴۶۰ ق.)؛ مجمع البیان فی علوم القرآن (۴۶۸ ق.)؛ المفردات فی الفاظ القرآن (۵۰۲ ق.)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (۵۳۸ ق.)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (م ۵۴۱ ق.)، کشف الاسرار و عدله الابرار (م ۵۷۰ ق.)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (۵۵۴ ق.)، التفسیر الکبیر (م ۵۹۵ ق.)

^۴ هیچ تفسیری در خلأ شکل نگرفته، بلکه متأثر از تفسیرهای پیشین خود بوده است. سنت تفسیری عبارت است از: قواعد ثابتی که یک مفسر در نگارش تفسیر خود از آن تبعیت می کند. (محمدنما، ۱۳۸۹: ۱۷۶)

تفسیر		رویکرد تفسیری	سال
۱. التبیان فی تفسیر القرآن	محمد بن حسن طوسی	عقلی	۴۶۰ ق
۲. لطائف الاشارات	عبدالکریم بن هوازن قشیری	عرفانی	۴۶۰ ق
۳. المفردات فی الفاظ القرآن	راغب اصفهانی	لغوی	۵۰۲ ق
۴. الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل	محمود زمخشری	ادبی - بلاغی	۵۳۸ ق
۵. المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز	عبد الحق بن غالبین عطیه	ادبی	۵۴۱ ق
۶. کشف الاسرار و عدة الابرار	رشید الدین میبدی	عرفانی	۵۷۰ ق
۷. مجمع البیان فی علوم القرآن	فضل بن حسن طبرسی	اجتهادی - ادبی	۵۴۸ ق
۸. روض الجنان و روح الجنان	حسین بن علی ابوالفتوح رازی	جامع	۵۵۴ ق
۹. مفاتیح الغیب	فخرالدین رازی	عقلی - کلامی	۵۹۵ ق

مهم‌ترین آثاری که به عنوان پیشینه پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، عبارتند از:

سیر تطور تفاسیر شیعه و شناخت‌نامه تفاسیر، اثر سید محمدعلی ایازی (۱۳۸۵ش)، مقاله «تفسیر»، احمد پاکتچی (۱۳۷۳ش) در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و همچنین کتب و مقالات فراوانی که به شناخت تفاسیر و طبقات مفسران، بررسی روش‌های تفسیری و سیر تاریخی تفاسیر پرداخته‌اند به طور غیر مستقیم، گاه به جنبه‌هایی از نوآوری‌های تفسیری پرداخته‌اند.

۱-۱. مفهوم نوآوری

نوآوری در زبان عربی معاصر، معادل کلمه «التجدید» و ابتکار، ابداع، اختراع، بدعت (آفریدن و آغاز کردن و ساختن چیزی بدون الگوی قبلی) است. (ابن منظور، ۱۹۹۷م، ص ۱۷۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ غفرانی، ۱۳۷۱ش، ص ۵۹۱؛ فرزانه، ۱۳۷۸ش، ص ۱۰۴۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۶۲) و یکی از معادل‌های آن در زبان انگلیسی: «innovation»

است. (حق شناس، علی محمد و...، ۱۳۸۷، ص ۸۲۸) و در اصطلاح به خلاقیت متجلی شده و به مرحله عمل رسیده اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته. (محمدی، ۱۳۸۷ش/۲۸-۳۵) در معنای لغوی و اصطلاحی این واژه فرق چندانی نیست، بلکه افتراق آنها به استعمال در جمله مربوط می‌شود.

نوآوری در تفسیر قرآن به معنای تغییر دادن دین نیست، بلکه فهم و تبیین بطون و لایه های جدید و تطبیق موضوعات تغییر پذیر دین با مسائل و نیازهای جدید در افق زندگی پیشرفته امروزی است. همانطور که فقیه اجازه دارد، با توجه به مقتضیات زمان فتوا دهد، مفسر نیز می‌تواند تفسیر و فهم به روز و کارآمدتری از قرآن ارائه دهد، و نوآوری کند.

نوآوری در تفسیر قرآن با بدعت متفاوت است، چرا که در بدعت فرد از جانب خود گزاره دینی ابداع می‌کند. همچنین نوآوری با تفسیر به رای نیز سه تفاوت عمده دارد. از جمله این که: نوآوری برآمده از علم و آگاهی است، (نصیری، ۱۳۷۷ش، صص ۷۵-۹۸)، در نوآوری پافشاری مفسر بر به کارگیری منابع تفسیری است. (همو)، و در نوآوری توجه مفسر به قرائن، مویدات، استشادات و اشعارات است، در حالی که در تفسیر به رای گاه مفسر بدون علم و آگاهی و مراجعه به منابع تفسیری، توأم با پیش داوری و از روی احساس تفسیری ارائه می‌دهد. (درسهایی از مکتب اسلام، ۱۳۵۱ش، صص ۵۲-۵۷)

بنابر این نوآوری در عرصه تفسیر قرآن را می‌توان نگاهی دوباره و جدید به آیات با توجه به ساختار مبانی و روش های نو از قرآن دانست. بدیهی است در این بازنگری روش های جدیدی ابداع خواهد شد و یا فهم های جدیدی به دست خواهد آمد. باز بودن راه نقد و انتقاد نیز یکی از زمینه های رشد نوآوری خواهد بود. نوآوری چه از منظر برون دینی و محققان غربی و غیر مسلمان صورت گیرد؛ و چه از منظر درون دینی باورمندانه به شکل بازخوانی یا باز اندیشی باشد، چنانچه فصل تمایز با بدعت و تفسیر به رأی را رعایت کند؛ امری مطلوب و پسندیده است.

باید دانست هرآنچه نوآوری است، معتبر و سودبخش نیست، چرا که ممکن است نتیجه ای مخرب در روند رشد علوم اسلامی داشته باشد. برخی از این نمونه ها عبارتند از: تفاسیر تکفیری-سلفی مانند: تفسیر ابن تیمیه، تفسیر ابن قیم، تفسیر قاسمی، تفسیر شنقیطی، تفسیر عبدالرحمن سعدی، تفسیر ابن عثیمین، در دوره معاصر. گرچه همه نکات تفسیری در این تفاسیر نادرست نبوده، اما نوعا تفسیر ایشان از آیات حاکی از بدفهمی و استنباط غلط از قرآن است. لذا نه تنها سهمی در رشد مسلمانان ندارند، بلکه به عقب ماندگی و انحطاط مسلمانان دامن می‌زنند.

در این نوشتار بیشتر، نوآوری ها از منظر درون دینی در دست بررسی قرار گرفته است و منظور از نوآوری تفسیری به طور عام، نوآوری در قبال تکرار است و به هیچ روی منظور تولید یا فرآورده ای صد در صد نو نیست، بلکه این مفهوم کاملا نسبی است. نکات نوآورانه مفسرین اعم از طرح مطالبی که مسبوق به سابقه در تفاسیر پیشین نبوده، مصداقی نو، طبقه بندی نو، استدلال یا استنباطی نو، ارائه نقدی جدید و حل تناقضات در مبانی اندیشه و دفع شبهات است که این تعریف منطبق بر تعاریف نوآوری در منابع متعدد است. (رک: حماد جوهری، ج ۳، ص ۹۸۶؛ ابن فارس، مقاییس اللغه، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ خلیون، شماره ۸ و ۹، ۱۳۸۹ش؛ محمدی، صص ۲۸-۳۵، ۱۳۸۷ش؛ زاهدی، ص ۱۷)

«سوره جمعه» شصت و دومین سوره قرآن کریم در ترتیب مصحف و صد و دهمین سوره در ترتیب نزول است. این سوره پس از سوره صف و پیش از سوره تغابن نازل شده است. این سوره دارای یازده آیه و از سوره مسبحات است. (زرنگار، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ۷۱۰)

از آن جهت که سوره جمعه علاوه بر طرح مباحث زیربنایی و اصول دین، مشتمل بر مضامین عالی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، در طول تاریخ تفسیر مورد اقبال مفسرین و قرآن پژوهان قرار گرفته است. این نوشتار با مورد مطالعه قرار دادن این سوره، به شکل موردی، به معرفی نوآوری‌های تفسیری آن می‌پردازد.

۲. گونه‌شناسی نوآوری تفاسیر قرون ۵-۵۶۱.ق.

بنابر آنچه در تعریف شاخص ارائه شد، نوآوری تفسیری در سه مبحث: ۱- علوم قرآنی، شامل: الف- مکی و مدنی ب- علم قرائات ۲- ادبیات، شامل: الف- نکات دستور زبانی ب- نکات بلاغی ۳- نکات تفسیری اعم از ارائه نوآوری در قالب روش-ها و گرایش‌های مفسرین در تفاسیر ارائه گردیده است: الف- نوآوری در روش شامل: نقد معناشناسانه واژه‌ها، مقارنه آیات و پیوند ادبیات و عرفان، ضرب ظرائف ادبی- عرفانی در تفسیر ب- نوآوری در گرایش شامل: گرایش عقلی و تاریخی

۲-۱. مباحث علوم قرآنی

گرچه مباحث علوم قرآنی پس از قرن دوم به صورت حاشیه‌ای و در مقدمه تفاسیر راه یافته است،^۵ اما در این دو سده، در متن تفاسیر و به صورت استدلال محور ظهور یافت. در این نوشتار نوآوری تفاسیر در دو نوع از انواع علوم قرآنی مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از:

۲-۱-۱. بحث از مکی و مدنی

ظهور بحث از مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، در متن تفاسیر و به نحو استدلال محور، یکی از جنبه‌های نوآوری تفاسیر این دو سده است. قرن پنجم نقطه عطفی در تدوین دانش مکی و مدنی و سرآغاز تالیفات در این موضوع است که این مطلب نمود آشکاری در تفاسیر این دوره دارد. (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷) علیرغم این که غالب مفسرین این دو سده بر مدنی بودن سوره جمعه اتفاق نظر دارند، اندکی نیز رأی به مکی بودن سوره جمعه داده‌اند. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ۱۹۰) در برخی تفاسیر نیز نوآوری در نقد و تحلیل آرای پیشین و با توجه به جنبه روایت‌گری تاریخ نزول به قرار زیر مشاهده می‌شود.

* نقد نقلی - عقلی و تاریخی

ابن عطیه به نقدی نو بر مکی بودن این سوره پرداخته است که چنین تحلیل و نقدی مسبوق به سابقه در تفاسیر پیشین نبوده است. وی با رد نظر نقاش (مبنی بر مکی بودن سوره)، ۴ نقد قولی آورده است. از جمله:

۱- ارتباط قضیه یهود به مسائل مدینه

^۵ به عنوان نمونه: تفسیر قاسم بن ابراهیم (۲۴۶ق) در مقدمه تفسیرش: «المصایح الساطعه الانوار» به ۶ نوع از علوم قرآن و محمدبن جریر طبری (۳۱۰ق) در مقدمه «جامع البیان عن تاویل آی القرآن» به ۹ نوع از علوم قرآن اشاره نموده است.

۲- عدم تناسب امر به اقامه نماز جمعه با فضای مکه

۳- واقع شدن انفضاض در مدینه

۴- ضعف روایتی که نقاش از ابوهریره نقل نموده است. (غرناطی آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۵، ۳۰۶)

میبدی گرچه با تأکید، قول بر مدنی بودن سوره جمعه را اجماعی دانسته، اما اهتمام وی بر جنبه تاریخی با رویکرد نقلی بوده است. (میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰، ۹۵)

ابوالفتوح رازی با تالیف تفسیری جامع به تحلیل مکی یا مدنی بودن سوره جمعه پرداخته، می گوید: «این سوره بنا به قول عبد الله عباس [و ضحاک] مکی است، و در قول دیگران مدنی است.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ۱۹۰)

بنابر آنچه ذکر شد از مفسران این دوره ابن عطیه با ارائه نقد قولی و تحلیل محتوایی روایات و میبدی با توجه به زمان و مکان نزول از جنبه‌ی تاریخی نوآور بودند.

۲-۱-۲. طرح اختلاف قرائات در تفاسیر

یکی از مباحثی که در تفاسیر سده ۵-۶ ق ظهور یافته است، ذکر اختلاف قرائاتی است که مسبوق به سابقه در تفاسیر پیشین نبود. از جمله:

* اختلاف در حذف یا افزودن حرکات، حروف و تشدید

زمخشری از مفسرین نوآور در این زمینه است. وی می گوید: «واژه «الامیین» آیه ۲ سوره جمعه با حذف «ی» یعنی «الامین» نیز قرائت شده است.» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۲۹) همچنین در آیه ۵، قرائت یحیی بن یعمر «حملوا» را به فتح «حاء» و «میم» مخففه نیز قرائت نموده می گوید: «مأمون عباسی «يُحْمَلُ أَسْفَارًا» را به ضم «ی» و فتح «ح» و شد «میم» مفتوحه می خواند. ابن مسعود «كَمَثَلِ الْحِمَارِ» را بدون «ال» قرائت نموده است.» (همو: ۵۳۰) در آیه ۶ «فَتَمَنَّا الْمَوْتَ» را به کسر «واو»، و به قیاس، مانند: «لَوْ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ» (قرآن: ۹/۴۲) و در عبارت «فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ» آیه ۸ را با اسقاط «فَإِنَّهُ»، و در قرائت زید بن علی بدون «فاء» قرائت شده و آیه را این گونه قرائت می کند: «إِنَّ الْمَوْتَ هُوَ الشَّيْءُ الَّذِي تَفْرُونَ مِنْهُ» (همو: ۵۳۱)

* تعلیل ادبی قرائات

ابوالفتوح رازی گاه به اختلاف قرائات بی سابقه‌ای همراه با تعلیل ادبی آن اشاره نموده است. درباره قرائت: «الْقُدُوسِ» می گوید: «عرب صفات بر وزن فَعُول را به فتحه می خواند، الا سه صفت که «قدوس» یکی از آن است.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ۱۹۳)

* طرح قرائات شاذ

مفسران در این دو سده به ذکر قرائات مشهور در تفاسیر اکتفا ننموده‌اند بلکه دامنه طرح قرائات، تا قرائات شاذ نیز ارتقاء یافته است. به عنوان نمونه: ابن عطیه ضمن طرح اختلاف قرائات در آیات ۸ و ۶ و ۱، به قرائت شاذ ابن مسعود در آیه ۱۱: «وَمِنَ التِّجَارَةِ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» اشاره کرده و به بررسی ادبی آن می پردازد. وی با اشاره به عبارت: «...»

انْفَضُوا إِلَيْهَا» معتقد است، «إليهما» با تشبیه ضمیر نیز قرائت شده است که نظیر: (قرآن: ۴/۱۳۵) است. (غرناطی آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۳۱۰)

* ارائه طبقه‌بندی نو

طبرسی با تعیین عنوان «القرائه» و ارائه طبقه‌بندی نو مطالبی، درباره واژه «الْجُمُعَةُ» و وجوه مختلف اختلاف قرائت بیان می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ۴۲۸)

بنابر تحقیق در این دو سده، برخی از تفاسیر در طرح مصداقی نو به اختلاف قرائات پرداخته‌اند. زمخشری و ابن عطیه با طرح قرائاتی در حذف یا افزودن حرکات، حروف و تشدید و ذکر قرائات شاذ نو آور بودند، ولی طبرسی با ارائه طبقه‌بندی نو تحت عنوان: «القرائه» و ابوالفتوح با ارائه تعلیل ادبی نو، مبتکر و نوآور بودند.

۲-۲. مباحث ادبی

در این بخش به نوآوری ادبی در نکات دستوری و نکات بلاغی اشاره می‌شود.

۱-۲-۲. نکات دستور زبانی

عمده نوآوری‌ها در نکات صرف و نحوی سوره جمعه، از باب بیان مصداقی نو و بی سابقه نسبت به تفاسیر پیشین است. از جمله:

یک (ك) لام (الله) جهت متعدی کردن فعل «سَبَّحَ»

زمخشری نخستین مفسری است که در پی توضیح این نکته دستوری برآمده و می‌گوید: «ماده» التَّسْبِيحُ در ادبیات قرآن بدون «لام» هم متعدی شده و بدون حرف جرّ مفعول به گرفته است؛ مثلاً فرموده: «... وَ يُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ» (قرآن: ۹/۲۰۶)، لکن در اینجا باحرف «لام» مجرور شده است و باید تفاوت معنایی در اینجا ملاحظه شود. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۴۷۲)

دو) تعیین «إِنْ» و «لَمْ» بر سر «فِي» در عبارت: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ».

زمخشری «إِنْ» را مخففه از ثقیله دانسته است و آمدن «لَمْ» را دالّ بر صحت این قول می‌داند. (همو: ۵۳۰). این در حالی است که تفاسیر پیشین در این خصوص مطلبی ذکر نکرده‌اند.

سه) شرح فعل ذم در عبارت: «بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ...»

به طور کلی مفسرین در تفسیر این آیه دو معنا را اخذ کرده است: ۱- بد مثلی است مثل قومی که آیات الهی را تکذیب نمودند ۲- بد قومی است، قومی که آیات الهی را تکذیب نمودند.

شیخ طوسی معنای دوم را اخذ نموده و مخصوص به ذم را «القوم» دانسته است. اما زمخشری و ابن عطیه معنای اول را اخذ نموده و مخصوص به ذم را «مَثَلُ» دانسته‌اند. طبرسی در قسمتی با عنوان «اعراب» به تفکیک درباره این عبارت بحث نموده

است و اولین مفسری است که مخصوص به ذمّ را در این عبارت محذوف دانسته و تقدیر آن را: «بئس القوم قوم هذا مثلهم...» می‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ۴۳۰) همین موضوع دلالت بر اهمیت نقش این عبارت در محتوای آیه می‌کند. پس الذین در موضع جرّ است، و ممکن است که تقدیر این باشد: بئس مثل القوم مثل الذین کذبوا، پس مضاف حذف شده و مضاف الیه قائم مقام او شده باشد و بنابر این الذین در محلّ رفع خواهد بود.

چهار) مقایسه «وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ» آیه ۷ جمعه و «وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ» (قرآن: ۲/۹۷)

زمخشری فرقی میان استعمال «لَنْ» (قرآن: ۲/۹۷) و «لَا» در جمعه ۷/ قائل نیست و هر دو را به جهت نفی مستقبل دانسته است که گاه با لفظ مؤکّد و گاه بدون آن استعمال شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/ ۵۳۱) اما ابن عطیه با اشاره به نظر سیبویه، اعتقاد خود مبنی بر فرق «لَنْ» و «لَا» در همراهی با فعلی که قرین به «قَدْ» است بیان نموده است. (غرناطی آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۵، ۳۱۰)

پنج) درباره وجهی از اعراب: «قُلْ إِنْ الْمَوْتِ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَانْه مَلَا قِيَكُمْ»

از نظرات شگفت‌انگیز شیخ طوسی این است که در عبارت فوق «فاء» را مستانفه بدانیم. آنگاه تقدیر جمله: «قُلْ إِنْ الْمَوْتِ هُوَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ» می‌شود که «الَّذِي» خبر آن است. (طوسی، بی تا: ۷/۱۰) گر چه شیخ طوسی این احتمال را نیز مطرح نموده که فاء می‌تواند به جهت تاکید باشد. زمخشری علاوه بر طرح مستانفه بودن فاء، نظر دیگری را مفروض دانسته است. وی معتقد است هر گاه مبتدا سبب خبر باشد فاء می‌تواند متضمن معنای شرط یعنی شبه شرط باشد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج: ۴، ۵۳۳)

از مجموع ۱۶ نکته نو صرف و نحوی مربوط به ۹ تفسیر مورد مطالعه در این پژوهش، زمخشری با بیان ۷ نکته نو، سرآمد مفسران نوآور این دوره است.

۲-۲-۳. نکات بلاغی سوره جمعه

یکی از جنبه‌های نو در تفاسیر این دو سده، پرداختن بیش از پیش مفسران به نکات بلاغی است. از جمله مواردی چون:

یک) حقیقی یا مجازی بودن «تَسْبِيح»

زمخشری با بحث از حقیقی یا مجازی بودن «تَسْبِيح» آیه یکم را من باب تمثیل و مجاز می‌داند. (همان، ۵۲۹) وی درباره تمثیل آیه ۵ معتقد است، ایشان نه تنها به تورات که در آن صفات نبی (ص) آمده بود، عمل نکردند، بلکه گویا اصلا آن را حمل ننموده‌اند. (همو: ۵۳۰) ابن عطیه بر خلاف سایر تفاسیر این دوره معتقد است منظور از «حَمَل» بار بر دوش کشیدن آن نیست، گرچه از نظر لغوی مشتق از آن است. (غرناطی آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۵، ۳۰۷) فخر رازی در آیه ۱۱ با طرح این مساله

که اصل لهو و تجارت قابل رویت نیست، لوازم آن را دیدنی دانسته و این موضوع را نظیر: آیه ۶ توبه می‌داند که کلام، غیر مسموع است، اما آنچه مسموع است، صوت کلام است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ۵۴۴)^۶
(دو) آرایه بدیعی تجرید به واسطه حرف جر «من» در آیه ۲

تنها مفسری که به این آرایه و نکته بلاغی توجه نموده، طبرسی است. وی در سطح ادبی و زیبایی شناختی خوبی آیات را بررسی نموده و گاه قواعد بلاغی را به زبان علمی فرموله کرده و به صورت تفصیلی بیان نموده است. وی درباره عبارت «رسولا منهم» می‌گوید: «در واقع خداوند متعال از میان امی‌ها یکی را برگزیده که رسول و راهنمای آنها باشد.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ۴۲۸) وی به واسطه «من» به دو وجه شباهت نبی (ص) با قومش یعنی شباهت در قومیت و بشریت اشاره می‌کند.

سه) تشبیه آیه ۵

در آیه ۵ تشبیهی به کار رفته است که مشبه آن: مکلف به تورات، مشبه به آن: درازگوشی است که کتاب را حمل می‌کند.

مفسران در تعیین مشبه در این آیه آرای متنوعی دارند که خود این تنوع می‌تواند شاخصی برای نوآوری تفسیری در این دوره باشد. شیخ طوسی بر خلاف مفسران پیشین مشبه را حافظان و قاریانی دانسته که قرآن را تلاوت نموده، ولی بدان عمل نکردند. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ۶) قشیری مصداق مشبه را علمای یهود و نیز مقلدان ایشان و همه کسانی که موسوم به تقلید هستند می‌داند. (قشیری، بی‌تا، ج ۳، ۵۸۳) برخی از مفسرین علاوه بر عدم بهره‌مندی یهود از محتوای کتب آسمانی، رنج و سختی حاصل از حمل بار را وجه شبه دانسته‌اند. (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ۹۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۳۰) همچنین ابن عطیه مشبه را احبار یهود و بار را امانت الهی دانسته و سبب توقف نکردن ایشان در برابر حدود الهی را انکار نبی (ص) می‌داند و این انکار در شرایطی رخ داده که تورات، نبوت وی را بیان نموده است. (غرناطی آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۵، ۳۰۷) ابوالفتوح مطابق قول مشهور مشبه را: مکلف به تورات می‌داند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ۱۹۶). طبرسی آیه را در مورد مسلمانانی دانسته که قرآن را خوانده و محتوای آن را نفهمیده‌اند و مانند کسی که نیازی بدان ندارد، از آن اعراض می‌کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ۴۳۰)

چهار) در معنای «تَمَنَّى» و «لَيْتَ»

در عبارت «فَتَمَنَّا الْمَوْتَ» به کارگیری تمنا برای امری است که تحقق آن محال نیست، بر خلاف «لیت» که حاکی از امر محال است.

^۶فخر رازی نیز عبارت: «رسولا منهم» در این آیه را نظیر: توبه/۱۲۸ و مومنون/۳۲ که مشاکله را درنسب و جنسیت ذکر نموده می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۵۳۸)

شیخ طوسی برخلاف تفاسیر پیشین به معنای واژه «تَمَنَّى» در این آیه پرداخته، می‌گوید: «تَمَنَّى» یعنی اینکه کسی بگوید، ای کاش چنین بود برای چیزی که چنین نبوده، یا ای کاش این گونه نبود، برای چیزی که این گونه بوده است و برخی معتقدند این معنا در قلب است. (طوسی، بی تا، ج ۳، ۵)

پنج) تفنن و ترقی

در عبارت «اذا روا تجاره او لهوا... قل ما عند الله خیر من اللهو و من التجاره» اغلب مفسرین معتقدند در مورد اول اهمیت بیشتر تجارت سبب تقدیم آن بر لهو شده است، ولی فخر رازی با مقایسه این آیه با «استعینوا بالصبر و الصلوه» ۴۵/بقره، لهو و تجارت را از جهت اهمیت یکسان می‌داند. وی وجه تقدیم تجارت بر لهو را، مناسبت تجارت با این عبارت در ایجاد نشاط و شادمانی در امت دانسته و وجه مؤخر آمدن «لهو» را به تبع تجارت ذکر می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ۵۴۴)

از مجموع آنچه گذشت روشن می‌شود زمخشری، در طرح نکات بلاغی نسبت به سایر مفسران این دو سده، در دو جنبه کمی و کیفی نوآور است.

۲-۳. نکات تفسیری

در این بخش به بررسی نکات تفسیری، در فهم جدید آیات، با در نظر گرفتن روش و گرایش مفسران می‌پردازیم.

۲-۳-۱. نکات ناظر بر روش مفسر

روش (metod) اصطلاحی امروزی است، که از مطالعات غربی بر کتب علوم انسانی و به تفسیر راه یافته است. آنچه پیش از دوره معاصر، مفسران پیموده‌اند، بیش از روش، به یک مدل شبیه است که اصطلاحاً به آن روش اطلاق شده است، اما در دو سده ۵ و ۶ق، مفسران به نحوه دستیابی خود به فهم آیات، خودآگاهی و توجه بیشتری یافته‌اند و سعی در پابندی بر شیوه خود داشته‌اند.

۲-۳-۱-۱. بررسی واژه‌ها

نوآوری‌های تفاسیر در روش بررسی واژه‌ها در تفاسیر قرون ۵ و ۶ق به قرار زیر است:

* نقد و تعلیل معنایی

شیخ طوسی استعمالات گوناگون ماده «التَّسْبِيح» در قرآن و گستره معنایی آن را مورد بررسی قرار داده است. (رک: طوسی، بی تا: ج ۹، ص ۵۱۸) ^۷ همچنین درباره واژه «الْأُمَّيِّ» با طرح نظری نو می‌گوید: «نبی امی است یعنی کسی است که فقط نانویسا است». وی معتقد است «امی» منسوب به «أُمٌّ» است. زیرا کتابت تنها به مردان اختصاص داشته است، نه زنان، پس کسی که در میان مردان است، اما نمی‌نویسد نیز منسوب به «أُمٌّ» است. (همان، ج ۱، ۳۱۸)

^۷ از جمله: استعمال تسبیح در ۴۴/اسراء (طوسی، بی تا: ۵۱۸/۹)، استعمال صیغه امر «تسبیح» در ۴۲ سوره آل عمران و ۱۳۰/طه: به معنای

نماز و نماز صبح (همو، ۴۵۶/۲؛ ۲۲/۷؛ ۳۷۴/۹)، به معنای حمد (همو، ۵۰۱/۷، ۵۱۸/۹) و به معنای شکر (همو، ۸۷/۹)

ابن عطیه با این که چهار رأی تکراری در معنای «امّی» ذکر نموده است، اما با یک دلیل نقلی نظر «امّی»، به معنای «مکی» را نقد نموده و ضعیف می‌انگارد. (غرناطی آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۵، ۳۰۶)

*بررسی معنانشناسانه واژه‌ها

نگاه معنانشناسانه راغب اصفهانی در *المفردات فی کلمات القرآن*، او را در میان مفسران قرن پنجمی، فردی نوآور نموده است، وی به خوبی دریافته است بشر قرن پنجمی با غریب‌القرآن نویسی قرون پیشین اغنا نمی‌شود؛ می‌توان تفسیر وی را گونه‌ای از تفسیر موضوعی قرآن به شمار آورد. او دو اقدام نو در بررسی واژه‌ها انجام می‌دهد. نخست این که به جای واژه‌های غریب، تمامی واژه‌های قرآن را مورد مطالعه قرار می‌دهد و دوم این که همه استعمالات قرآنی یک واژه را بررسی می‌کند. وی اجتهاد شخصی خود را نسبت به معنای واژه بیان می‌کند. به عنوان نمونه: راغب در معنای واژه «امّی» می‌گوید: «امّی» به معنای کسی است که خواندن و نوشتن نمی‌داند و این واژه در آیه ۲ سوره مبارکه جمعه بر این معنا حمل می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۸۷) سپس وی به سایر معانی این واژه که قابل تطبیق بر استعمالات قرآنی آن است می‌پردازد:

- بنابر نظر قرطبی به معنای کم معرفت است، چرا که وی این واژه را در اصل از «امیّه» به معنای غفلت و جهل می‌داند. (قرآن: ۲/۷۸)

- بنابه نظر فراء به معنای عرب است که کتاب آسمانی بر ایشان نازل نشده بود. (قرآن: ۷/۱۵۷).

- منسوب به «امّیه» به معنای کسی است که عادت بر نوشتن ندارد. با این فرض بی‌سوادی به عنوان نوعی فضیلت برای نبی(ص) به شمار می‌آید. چرا که وی به سبب حفظ قرآن و ضمانت الهی بر فراموش نکردن آن، از سواد بی‌نیاز است. (قرآن: ۸۷/۶)

- منسوب به ام القری (مکه) و به معنای مکی است. (همان)

*ارائه مفهومی نو

زمخشری با وجود این که تنها یک مفهوم نو در واژه «امّی» مطرح نموده، ولی به مفهومی اشاره می‌کند که در تفاسیر پیشین مسبوق به سابقه نیست. وی «امّی» را به معنای «آموزش ندیده»، (نه ناخوانا و نانویسا) معنا نموده است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۲۹) وی همچنین واژه «التّسیح» را متفاوت از سایر مفسران، به معنای تجدید و خالص نمودن تسیح برای الله معنا نموده است. (همو، ۴۷۲)

*جامع‌نگری و طبقه بندی نو

طبرسی با عنوان‌دار کردن مبحث واژه‌ها «اللغه»، علاوه بر بررسی پنج واژه متداول «أَسْفَارًا»، «زَعَمٌ»، «أَوْلِيَاءَ»، «تَمَنَّى» و «الْجُمُعَةَ»، درباره مفهوم دو واژه «يُؤْتِيهِ» و «رَأَوَا» نیز بحث می‌کند. وی همچنین با جامع‌نگری در بیان مفهوم واژه‌ها به

کتاب لغت و اقوال لغویون رجوع نموده، گرچه از آوردن نام قائلین و مصادر آن امتناع نموده است. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ۴۲۸)

* بررسی سیر تاریخی

میبدی در معنای «اُمّی» با توضیح جنبه تاریخی موضوع می گوید: «عرب را اُمّی نامیدند چرا که ایشان خط و کتابت نداشتند... چرا که خط و قرائت با تعلیم حاصل شود و جبلی انسان نیست...»...منسوب است به ام، زیرا سواد در میان عرب امری وارداتی بود، پس با سواد و بی سواد عرب هر دو اُمّی هستند.» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ۹۵) وی سپس به تاریخچه کتابت در میان عرب اشاره نموده است که از طائف آغاز شده و ایشان از اهل حیره که خود از اهل انبار بودند، خواندن و نوشتن را آموخته بودند.

۲-۱-۳-۲. مقارنه آیات

در تفاسیر قرون ۵-۶ روش مقارنه آیات به طور گسترده، گاه در واژه‌ها و عبارات، گاه در حکم و نتیجه و گاه در موضوع مشاهده می شود. نمونه آن در واژه یا عبارت، نظیر توضیح زمخشری در عبارت: «رَسُولًا مِّنْهُمْ» آیه ۲ است. وی با استشهاد به عبارت «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (قرآن: ۹/۱۲۸) می گوید: یعنی «ایشان نسب و احوال او را می دانستند.» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۲۹)

میبدی نیز در آیه ۹، «مِن» را به معنای «فِی» و استعمال آن را از قبیل، استعمال «مِن» در آیه «أَرْوِنِي مَا ذَا خَلَقُوا مِّنَ الْأَرْضِ» (قرآن: ۴/۴۶) دانسته است. (همو، ۹۹)

نمونه مقارنه در حکم، نظیر آنچه طوسی درباره «حکم انتشار» آیه ۱۰ آورده است. وی این حکم را نظیر «حکم صید» در آیه ۲/ مانده و اباحه پس از منع دانسته است. (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ۷)

فخر رازی نیز احتجاج اهل کتاب به «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ»، جهت اختصاص حکم رسالت پیامبر (ص) به امت عرب را با آیاتی نظیر: ۲۸/سبأ که بر عمومیت دعوت پیامبر (ص) دلالت دارد، رد نموده، می گوید: «تخصیص به ذکر، نفی ماعدی نمی کند، همانگونه که «وَلَا تَخْطُئُ بِيَمِينِكَ» نفی نوشتن با دست چپ نمی کند.» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ۵۳۸) همچنین میبدی حکم آیه ۸ را متناظر با: ۱۵۴ آل عمران دانسته است. (رک: میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ۹۸)

۲-۱-۳-۲. روش مبتنی بر کشف و شهود عرفانی

قرن ۵ و ۶ق. شاهد ظهور صوفیان و عارفان فراوانی بوده است^۱، اما فقط از اندکی از این عارفان اثری مستند در تفسیر به جای مانده است. (قاسمپور، ۱۳۹۲، ۱۳۴) نوآوری‌هایی که در این دو سده قابل ذکر است عبارتند از:

* ضرب روایات و ظرائف عرفان

میبدی با استناد به روایات پرشمار و در تفسیری که در بردارنده روایات و ظرایف عرفانی است، شیوه‌ای نو در کاربست روایات ارائه داده است. برای نمونه، در نوبت سوم به روایتی اشاره کرده که خداوند در آن، ده چیز را برای حاضران در نماز جمعه وعده داده است: «یکی آن است که چون به نماز آید، به هر گامی که بردارد، او را نیکی در دیوان نویسد؛ دیگر به

^۱نظیر: خواجه عبدالله انصاری، امام محمد غزالی، ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن خرقانی و قشیری (قاسمپور، ۱۳۹۲: ۱۳۲-۱۳۴)

هر قدمی، گناهی از دیوان او بسترده، ...» سپس می‌گوید: «واجب آمد بر بنده به مسجد رفتن و رنج بر خود نهادن و خدمت گزاردن. چنانستی که ربّ العزّه گفتی: چون رنج آمدن به خدمت از بهر من بود، یک نیمه خدمت از بنده برگرفتم، چهار رکعت با دو رکعت آوردم. عبدی امروز یک گام که در راه من برداری ضایع نمی‌کنم، هفتادساله راه توحید رفته و به دست نیاز در امید کوفته عمر تو کی ضایع کنم و رنج خدمت تو کی باطل کنم؟ امروز از خانه به مسجد می‌آیی، فردا از خانه به گور خواهی آمد. امروز که به اختیار می‌آیی، به مراد و نشاط با جمع دوستان، خدمت خود از تو برگرفتم و رنج تو ضایع نکردم؛ چه گویی فردا که به اضطرار آیی، فریدا و وحیدا، عفو و مغفرت از تو کی دریغ دارم؟» (میبیدی، ج ۱۰، ص ۱۱۰)

* پیوند ادبیات و عرفان

تفسیر ابوالفتح رازی، با اینکه در گروه تفسیرهای عرفانی نیست، ولی در بسیاری از آیات، نکته‌های ناب عرفانی را با ادبیات فاخر خود پیوند زده و از مفاهیمی همچون اخلاص، توکل، ذکر، صدق و... بهره برده است.

میبیدی در نوبت سوم تفسیرش از اشعار فارسی و عربی بهره گرفته است. برای نمونه، در سوره جمعه، آیه نخست، درباره یاد خدا، یک بیت به زبان فارسی؛ و در باب تسبیح، یک بیت به زبان عربی آورده است. هم‌چنین در آیات دوم و پنجم نیز اشعاری با مضمون عرفانی آورده است. او در آیه پنجم می‌نویسد: «اگر نقد دین می‌جویی، و سوز عشق ما می‌طلبی، از دل‌های درویشان صحابه جوی، عمار و خباب و سلمان و بوذر و صهیب و بلال که در دل ایشان سوز عشق ماست و در سر ایشان خمار شراب ذکر ما. دل ایشان حریق مهر و محبت ما، جان ایشان غریق نظر لطف ما:

این درویشان ز وصل بویی دارند گویی ز شراب مهر جویی دارند

در مجلس ذکر‌های وهویی دارند می‌نعره زنند کزو چنوبی دارند» (میبیدی، ج ۱۰، ص ۱۰۷)

* تفسیری عرفانی بر کل آیات قرآن

لطائف الاشارات اولین تفسیر عرفانی قرن ۵ ق. است که کل قرآن را تفسیر نموده است. (همو، ۱۳۷) قشیری در آیه ۵ سوره جمعه می‌گوید: «حُمَّلُوا التَّوْرَةَ» کسانی هستند که موسوم به مقلدین هستند. ایشان در عقاب ملحق به یهودند، حال با هر اصطلاحی که در نظر گرفته شود، چه در علم اصول که طریقه ادله عقلی است، چه در طریقه صوفیه که طریقه منازل است. (قشیری، بی تا، ج ۳، ۵۸۴)، هم‌چنین وی در آیه ۹ با ارائه معانی در واژه «سعی»، معانی باطنی سه‌گانه‌ای از سعی ارائه نموده است. (همو، ۵۸۵)

* تفسیر چند سطحی

میبیدی در کشف الاسرار و عدة الابرا تفسیری چند سطحی^۹ ارائه داده است. وی در نوبت سوم، پس از شرح صفات چهارگانه در آیه ۱، درباره اعتقاد سالک به مالکیت مطلق خداوند و عدم کرنش در مقابل غیر او می‌گوید:

^۹ مقصود از تفاسیر چند سطحی، تفاسیری است که به تفکیک سطوح فهم مخاطبان پرداخته و بنا به سطح مخاطبین، دسته‌ای از آیات را در چند سطح یا نوبت تفسیر می‌کند.

« هر که جلال حق بدانست بدلال خلق تن در ندهد، دست صدقش از کونین کوتاه بود، پای عشقش همیشه در راه بود...»
(میبدی، ۱۳۷۱: ۱۰۷/۱۰)^۱

۲-۳-۲. نکات مربوط به گرایش مفسر

گرایش مفسر متأثر از دانش، فضای فکری و پیش فرض‌های مفسران است که در ارتباط مستقیم با ابتکار و خلاقیت ایشان در تفسیر آیات قرار دارد و اشاره به آن در این نوشتار ضروری است:

۲-۳-۲-۱. گرایش عقلی - اجتهادی

شکوفایی علمی پس از قرن چهارم، منجر به پرداختن به مباحث عقلی و کلامی شد. چنان که شیخ طوسی را می‌توان منشأ تحول عظیمی دانست که در تفسیر عقلی، اجتهادی رخ داد. گرچه وی درباره «تسبیح» در سوره جمعه بحث نکرده است، اما با توجه به این که بیشتر بحث‌های کلامی در این سوره حول محور تسبیح شکل گرفته است، وی ذیل آیه ۱ سوره حدید تسبیح عموم موجودات را تسبیح حالی دانسته، اما تسبیح عقلا را اعم از قولی و فعلی می‌داند. (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ۵۱۸)، وی همچنین در آیه ۸ معتقد است ایشان چه از مرگ فرار کنند، چه فرار نکنند نتیجه یکی است ... چرا که وقتی فرار به منزله سبب ملاقات مرگ باشد، ترس از آن، معنا ندارد. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ۷)

زمخشری درباره تحدی آیه ۶ عقلایی سخن رانده و می‌گوید: ایشان ادعا داشتند ما پسران و دوستان خدا هستیم. اما آیه ۶ در این مقام می‌گوید: «اگر کلام شما حق است و به خودتان مطمئنید، پس از خدا در خواست مرگ کنید تا سریع شما را به دار کرامتش که به اولیائش وعده داده است منتقل کند.» سپس در آیه ۷ تاکید می‌کند هرگز به سبب آنچه از اعمال کفرآمیز پیش فرستاده‌اند، چنین در خواستی نخواهند نمود، و رسول خدا (ص) فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست اوست احدی از ایشان چنین کلامی نخواهد گفت... و اگر ایشان به صداقت رسول خدا (ص) یقین نداشتند، هرآینه چنین آرزویی می‌کردند، لکن می‌دانستند که اگر چنین آرزویی کنند قطعاً خواهند مرد ... و این یکی از معجزات الهی است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۳۱)

فخر رازی با وجود وفاداری به مواضع کلام اشعری، با بیان سه دلیل مراد از تسبیح موجودات را تسبیح حالی دانسته است. این دلایل عبارتند از:

الف) چون یک شی دارای اجزا و صفات بی‌شماری است، به سبب کثرت این اجزا و صفات، تسبیح این موجودات نیز بی‌شمار است و همه آن برای ما قابل درک نیست.

ب) کفار گرچه در زبان اقرار به تسبیح موجودات می‌کنند، ولی به کمال قدرت خداوند باور ندارند، لذا به انکار حشر و نشر می‌پردازند.

ج) ضمیر در «لا تفقهون» اشاره به کفار دارد و آیه در مقام بیان این حقیقت است که فقط کفار نمی‌توانند تسبیح موجودات را بفهمند، نه این که همگان از درک تسبیح موجودات عاجز باشند. سبب نفهمیدن ایشان نیز اعراض خود ایشان از فهم تسبیح

^۱ همچنین رک: همو: ۱۰۸)

موجودات و تفقه نکردن در دلایل آن است. (قرآن: ۱۲/۱۰۵) همچنین فعل «تَسْبِيحٌ» در مقام نفی باور شرک آلود کفار آمده است و دلالت بر معنای مجازی و حال می کند در حالی که از نظر اصول فقه جایز نیست فعلی، هم دلالت بر مجاز و هم دلالت بر حقیقت کند. فراز «إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» نیز دلالت بر جرم بودن عدم فهم ایشان دارد. زیرا اگر تسبیح آنان قولی باشد، آگاه نبودنشان به تسبیح موجودات جرم و گناه نبود، در حالیکه این فراز از آیه دلالت بر جرم بودن ناهمی ایشان دارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ۳۴۷-۳۴۸)

فخر رازی در پایان به اقامه دلیل در نقض دسته روایاتی از شیعه که برای هر موجود، یک نوع تسبیح مخصوص به خود را بیان نموده که با وفات آن موجود، تسبیح او قطع می شود، می پردازد. (رک: همان) وی همچنین درباره حکمت انتخاب خر در تشبیه آیه ۵ می گوید:

۱- باربری او نسبت به بقیه چارپایان شاخص تر است.

۲- این مثال به جهت اظهار بلاهت ایشان است که در خر غلبه دارد.

۳- از جهت ذلت و حقارت، او بر سایر دسته های دیگر غلبه دارد.

۴- به دلیل رام بودن و فرمانپذیری او، حمل اسفار بر پشت او، سهل تر از سایر چهارپایان است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ۵۴۰)^{۱۱}

۲-۲-۳-۲. گرایش تاریخی

گرایش تاریخی به ندرت در تفاسیر قرون پیشین و حتی در قرون ۵ و ۶ ق. به چشم می خورد. اما در پژوهش تفاسیر قرون ۵-۶ ق. مشاهده شد که گاه با تاکید بر جنبه روایتگری تاریخ برخی مفسرین به بررسی تاریخی آیات اقدام نموده اند. به عنوان نمونه:

زمخشری از مفسرینی است که با توجه به جریانات تاریخی و استخراج دلالت هایی از وقایع تاریخی، تفسیر متفاوتی از آیات ارائه نموده است. در تفسیر عبارت «فاسعوا»، آیه ۹، می گوید: «در ایام قدیم وقت سحر و بعد از فجر راه ها مملو از سحرخیزانی بود که جهت شرکت در نماز جمعه چراغ بر دست به سمت محل نماز جمعه حرکت می کردند...». (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ۵۳۳) وی همچنین در تفسیر عبارت «وَذَرُوا الْبَيْعَ» نیز به شرح وضعیت مردم در روزهای جمعه پرداخته می - گوید: «از میان این اشتغالات بیع را مختص به ذکر نمود، زیرا روز جمعه، روزی است که مردم از آبادی های مختلف به محل تجمع نماز جمعه سرازیر می شوند و زمان آمدنشان در نیم روز و نزدیک ظهر است که زمان مناسبی برای تجارت است.» (همو: ۵۳۶)

^{۱۱} همچنین وی در آیه ۹ درباره حکمت نماز جمعه بحث مستوفایی ارائه داده است. رک: همو، ۱۴۲۰: ۳۰/۵۴۳

ابن عطیه با تشریح تاریخی نحوه اذان، جهت برگزاری نماز جمعه در زمان نبی اکرم (ص) و خلفا، تصریح نموده که بنی امیه نیز بر همین منوال اذان می گفتند و در قرطبه نیز هنوز رسم این گونه است. اذان باید بر قسمتی از بالای دیوار مسجد باشد. (غرناطی آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۵، ۳۰۸)

میبدی در آیه دوم، تاریخ منقول کتابت در میان عرب و نام کاتبان را بررسی نموده^{۱۲} و در وصف امی بودن نبی اکرم (ص) با نگرشی بر بسترهای فرهنگی آن روز مسلمانان، به صلحنامه حدیبیه و ایرادات آن اشاره می کند و سپس کاتبان منسوب به پیامبر را برمی شمارد.^{۱۳} وی با بررسی تاریخچه کتابت در میان عرب، که از طائف آغاز شده و ایشان از اهل حیره که خود از اهل انبار بودند، خواندن و نوشتن را آموخته بودند، معتقد است چون سواد در میان عرب امری وارداتی بود، پس با سواد و بی سواد عرب هر دو امی هستند. (رک: میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ۹۶)

ابوالفتوح رازی نیز در آیه ۹، اولین نماز جمعه را با استناد به قول ابن سیرین و اهل سیر و تواریخ قبل از هجرت نبی (ص) دانسته است. وی می گوید: «رسول (ص) به قبا فرود آمد... و آن روزی بود دوازده روز گذشته از ربیع الاول، چاشتگاه به قبا فرود آمد تا به آدینه مقام کرد... بعد از اولین نماز جمعه که در مدینه برگزار شد، اولین نماز جمعه در جوائی (مکانی در بحرین) برگزار گردید.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ۲۰۱)

نتیجه گیری:

این نوشتار در سه بخش علوم قرآن، ادبیات، نکات تفسیری به معرفی نوآوری های مفسران می پردازد. حاصل آن که تفسیر در سده های پنجم و ششم قمری همگام با پیشرفت ادب و علوم و معارف گسترش یافت و جوانب مختلف فهم معانی قرآن در همه زمینه ها شکوفاتر گردید. نوآوری تفاسیر در این دو سده، به دو صورت کمی و کیفی در تفاسیر مورد پژوهش مشاهده شد. نوآوری های کیفی گاه با طرح مفهومی نو، مصداقی نو، نقد و تحلیلی نو یا ارائه روش و گرایشی نو، و نوآوری های کمی در فرم و ساختار، گاه به صورت ارائه طبقه بندی، عناوین نو و سطح بندی نو مطالب ظهور یافت. این قرن پنجم به عنوان نقطه عطفی در پیشرفت علوم عقلی، استدلالی به شمار می آید. در این قرون افزایش تفاسیر تخصصی متنوع در کنار جامع-نگاری مشاهده می شود.

مفسران این دوره در مباحث علوم قرآنی، به زمان و مکان نزول از جنبه های تاریخی، نقد قولی و تحلیل محتوایی روایات توجه داشته اند. همچنین طرح مواردی از اختلاف قرائات برای بار نخست در تفاسیر این دوره مشاهده شد. از جمله: طرح اختلاف قرائاتی با حذف یا افزودن حرکات و حروف، طرح قرائات شاذ، به موازات نقد، تحلیل و تعلیل ادبی مواردی از نوآوری در این دو سده به شمار می آید. تحول در ارائه طبقه بندی نو نیز مشاهده شد. در این دوره اغلب مفسران اهتمام فراوانی بر طرح مصداقی نو از نکات صرف و نحوی داشته اند، ولی بر خلاف مفسران این دوره که اهتمام بر طرح نکاتی بلاغی نداشته اند،

۱۲. میبدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۱۰، ص ۹۶

۱۳. او نخستین نماز جمعه پس از مسجد النبوی (ص) را در مسجد عبدالقیس جوائا بحرین گزارش کرده است. (میبدی، کشف الأسرار و

عدة الأبرار، ج ۱۰، ص ۱۰۱)

زمخشری در این زمینه، نوآورانه عمل کرده است. نکات تفسیری نو و بدیعی در این دوره، در روش و گرایش ظهور یافته است. نقدی معناشناسانه از واژگان، روش مفسران این دوره بوده و آیات نیز در زمینه‌ی واژه، موضوع و حکم صادره، مقارنه-ای عقلی گردیده‌اند. با باز شدن فضای سیاسی، در شیعه جامع نگاری آغاز شده و تفاسیری از جمله مجمع البیان و روض الجنان و روح الجنان به عنوان تفاسیر چند دانشی تألیف شدند که علاوه بر محتوا، در ساختار و فرم نیز نوآور بودند. پیوند ادبیات و عرفان و ضرب بی سابقه‌ی ظرائف عرفانی نیز از نوآوری‌های مفسران در روش عرفانی تفسیری این دوره است. نگارش تفسیر عرفانی بر کل سوره‌های قرآن و نگارش تفسیر چند سطحی نیز از نوآوری‌های کمی تفاسیر عرفانی این قرون به شمار می‌آید. جریان تفاسیر ادبی با رویکرد ادبی-درایی که در دوره قبل با معانی القرآن‌ها آغاز شده بود، در این دوره بیش از پیش سامان یافت. نقد و تحلیل معنایی شیخ طوسی در واژه‌ها، نگاه معناشناسانه راغب اصفهانی در «المفردات فی کلمات القرآن»، در بررسی معناشناسانه واژه‌های قرآنی و اهتمام بر بررسی تمامی واژه‌ها، ارائه مفهوم نو واژه توسط زمخشری، و بررسی سیر تاریخی واژه‌ها توسط میدی از دیگر نوآوری‌های ادبی این دو سده است.

شیعه در این سده‌ها نه تنها در فقه و اصول نوآوری‌های فراوانی داشت، بلکه در تفسیر نیز با ظهور التبیان شیخ طوسی به نوآوری در محتوا با گرایش عقلی دست یافت، گرچه نمونه‌های متحول آن در سوره جمعه کمتر یافت شد. با رونق‌گیری مباحث عقلی، در علما و مفسرین شیعه، تفسیر التبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی در برابر جریان نص‌گرای دوره قبل سامان یافت و شیخ طوسی پرچم دار گرایش عقلی در تفسیر شد. از ربع دوم سده پنجم هجری، مکتب متکلمان که برای مدت کوتاهی هیچ رقیبی نداشت، در رقابت با مکتب شیخ طوسی قرار گرفت. با وفات سید مرتضی در سال ۴۳۶ق و اقتدار گسترده شیخ طوسی در حوزه بغداد، رقابت میان دو مکتب نمودی آشکار یافت و چالشی پدید آمد که تا پایان سده ششم، با شدت و اقتدار دوام داشت. در اهل سنت نیز تفاسیر نوآوری با گرایش عقلی-استدلالی چون کشاف زمخشری و المحررالوجیز ابن عطیه از غرب جهان اسلام و مفاتیح الغیب فخر رازی ظهور یافت. تفاسیری نظیر لطایف الاشارات و کشف الاسرار نیز علاوه بر محتوا، در فرم و ساختار نوآوردند. در بحث‌های کلامی، فخر رازی بیش از سایر مفسرین منشأ نوآوری بوده است، گرچه الکشاف، مجمع البیان و روض الجنان نیز در سوره جمعه بحث‌های اندکی در این خصوص مطرح نموده‌اند. گرایش تاریخی نیز با رویکرد روایت‌گرا، در اندکی از تفاسیر این دوره (الکشاف، المحررالوجیز و کشف الاسرار) مشاهده شد.

منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۳ش)، **فرهنگ معاصر** (عربی-فارسی)، چاپ چهارم، تهران: نقش جهان
۲. آندلسی، ابن عطیه عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، **المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز**، بیروت: دارالکتب العلمیه
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، تحقیق محمدجعفر یاحقی-محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
۴. ادنه‌وی، احمد بن محمد، (۱۴۱۷ق)، **طبقات المفسرین**، مکتبه العلوم و الحکم، مدینه

۵. اسعدی و همکاران، محمد، (۱۳۸۹ش)، *آسیب شناسی جریان های تفسیری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۶. ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۹۷ش)، *تفسیر عقلی*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات
۷. پاکتچی، احمد، (۱۳۹۲ش)، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، تنظیم و ویرایش: محمد جانی پور، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
۸. پاکتچی، احمد، (۱۳۷۳ش)، «تفسیر»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، به کوشش کاظم بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱
۹. حق شناس، علی محمد و دیگران، (۱۳۸۷ش)، *فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی*، ص ۸۲۸، نشر فرهنگ معاصر
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، *فرهنگ دهخدا*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الشامیه
۱۲. زمخشری، سید محمود، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل*، بیروت: دارالکتاب العربی
۱۳. طبری، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو
۱۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان عن تاویل آی القرآن*، بیروت: دارالمعرفه
۱۵. طیبیان، سید حمید، (۱۳۷۸ش)، *فرهنگ فارسی-عربی فرزانه*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۱۸. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (۱۳۸۷ش)، *طبقات مفسران شیعه*، قم: نوید اسلام
۱۹. عمید، حسن، (۱۳۷۳ش)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر
۲۰. علوی مهر، حسین، (۱۳۹۳ش/۱۴۳۵ق)، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی
۲۱. غفرانی، محمد و آیت الله زاده شیرازی، مرتضی، (۱۳۷۱ش)، *فرهنگ اصطلاحات روز فارسی-عربی*، تهران: امیرکبیر
۲۲. فخر رازی، عبدالله بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *العین*، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم
۲۴. قاسم پور، محسن، (۱۳۹۲ش)، *پژوهشی در جریان شناسی تفاسیر عرفانی قرآن*، تهران: نشر سخن
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو

۲۶. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، بی تا، **لطایف الاشارات**، تحقیق: ابراهیم بسیون، مصر: هیئة المصریة العامه للکتاب،

چاپ سوم

۲۷. مصطفوی، سید حسن، (۱۴۳۰ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۲۸. معرفت، محمد هادی، **علوم قرآنی**، قم: موسسه فرهنگی التمهید، (۱۳۹۷ش)

۲۹. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹ش)، **تفسیر و مفسران**، قم: موسسه فرهنگی التمهید

۳۰. معرفت، محمد هادی، (۱۳۵۷ش)، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب**، مشهد: الجمعه الرضویه للعلوم الاسلامیه،

۳۱. معین، محمد، (۱۳۷۱ش)، **فرهنگ معین**، تهران: چاپخانه سپهر

۳۲. میدی، رشیدالدین احمد بن ابی اسعد، (۱۳۷۱ش)، **کشف الاسرار و عدیه الابرار**، تهران: انتشارات امیر کبیر

پایان نامه ها و مقالات

۱. پاکروان، مرضیه، (۱۳۸۴ش)، «**مرز نوآوری و بدعت**»، نامه جامعه، ش ۱۸.

۳. خیحلیون، سلیمان، (۱۳۸۹ش)، «**خلاقیت و نوآوری**»، مجله اندیشه صادق، ش ۸ و ۹.

۵. محمدنام، سجاد، (۱۳۹۶ش)، «**شاخصه های طبقه بندی روش های تفسیری**»، جعفر نکونام و سید رضا مؤدب.

۶. محمدی، ناهید، (۱۳۸۷ش) «**خلاقیت در مدیریت**»، مجله کار و جامعه، ش ۱۰۳